

سیف فرغانی از شاعران استاد قرن هفتم و هشتم هجری است. دربارهٔ زندگانی و تاریخ تولد و وفات او هیچ اطلاعی در دست نیست و هیچ‌کدام از نویسندگان و تذکره نویسان نامی از او در آثار خود نیاورده‌اند. وی اصلاً از فرغانهٔ ماوراءالنهر بود که در دورهٔ سلطهٔ ایلخانان و مغولان در آسیای صغیر می‌زیست. وی درحالی‌که نزدیک به هشتاد سال داشت، در سال (۷۴۹ ه. ق.) وفات یافت.

### تحلیل ابیات

۱. هم مرگ، بر جهان شما نیز بگذرد هم رونق زمان شما نیز بگذرد

معنی واژه‌ها:

رونق: رواج، اعتبار.

بگذرد بر: در مصراع اول، به معنی «عبور کردن» است.

گذشتن: در مصراع دوم، به معنای سپری شدن است.

دستور زبان:

هم: حرف پیوند مزدوج

مرگ: نهاد

بر: حرف اضافه

جهان: متمم

شما: مضاف‌الیه

نیز: قید

بگذرد: فعل

هم: حرف پیوند مزدوج<sup>۱</sup>

رونق: نهاد

زمان: مضاف‌الیه

شما: مضاف‌الیه مضاف‌الیه

۱. حروف پیوند مزدوج، حرفی هستند که دارای مفهوم تساوی هستند، این حروف عبارت‌اند از: خواه، چه، یا، نه، هم. مانند خواه خوشتر بیاید خواه بدتر، من می‌روم. چه بخواهی چه نخواهی، من ماندنی شدم. یا تهران یا مشهد، یکی را برای رفتن انتخاب کن. نه پولت را می‌خواهم نه دردمت را. هم فال بود و هم تماشا.

# بیداد ظالمان: تحلیل دکتر محمد امین شمس‌نیا

نیز: قید

بگذرد: فعل

بیت دو جمله است.

## قلمرو ادبی

مرگ: تشخیص (استعاره<sup>۱</sup> نوع دوم = مکنیه)، مرگ چون انسانی در حال گذر تصور شده است.

جهان: مجازاً عمر و زندگانی.

جهان و زمان: واژه‌های قافیه

شما نیز بگذرد: ردیف. با وجود تفاوت در ساختار و معنای فعل گذاشتن، آن را ردیف محسوب می‌کنیم، زیرا این تفاوت جنبه مجازی دارد و اغلب شاعران بدان تن در داده‌اند.

تلمیح به آیه شریفه «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (آل عمران: ۱۸۵) هر جاننداری چشنده [طعم] مرگ است.

## قلمرو فکری

معنی: ای ستمکاران، هم مرگ به سراغتان می‌آید و هم ارزش و اعتبارتان پایان می‌پذیرد.

این شعر بیان درد و تألم شاعری است که جور و بیداد مغولان و اعقاب آنان را به چشم دیده است و آنان را به بی‌سرانجامی ستمگری‌شان نوید می‌دهد. شاید بتوان این شعر را مصداق بارز «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (إسراء: ۸۱) و بگو: حق آمد و باطل نابود شد. آری، باطل همواره نابودشدنی است.» دانست.

۲. وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب بر دولت آشیان شما نیز بگذرد

معنی واژه‌ها:

بوم: جغد، پرنده‌ای که به نحس بودن مشهور است.

محنت: سختی.

دولت: در گذشته به معنای ثروت، بخت و اقبال بوده است. از جمله واژه‌هایی است که در روند تحول معنایی، هم معنای

قدیم را حفظ کرده و هم معنای جدید (گروه وزیران) یافته است.

گذشتن بر: عبور کردن از.

## قلمرو زبانی

۲. تشخیص از جمله انواع استعاره<sup>۱</sup> نوع دوم (مکنیه) است به عبارت دیگر هر تشخیصی استعاره<sup>۱</sup> مکنیه است.

# میرداد ظالمان: تحلیل دکتر محمد امین شمس‌نیا

آشیان: لانه

دستور زبان:

و: پیوند هم‌پایه‌ساز (حرف ربط)

این: صفت اشاره (وابسته پیشین).

بوم: نهاد (هسته).

محنت: مضاف‌الیه (وابسته پسین).

این بوم محنت: گروه اسمی در نقش نهاد.

از پی آن تا: برای اینکه: پیوند وابسته‌ساز.

این بوم محنت برای آن که خراب کند: جمله وابسته.

بر: حرف اضافه.

دولت آشیان: ترکیب اضافی مقلوب که واژه‌ای مرکب ساخته است.

دولت آشیان شما: گروه اسمی در نقش متمم.

نیز: قید

بگذرد: فعل.

بر دولت آشیان شما نیز بگذرد: جمله هسته. بیت دو جمله است. (یک جمله مرکب است)

شبکه معنایی:

بوم و خراب: تناسب.

بوم و آشیان: تناسب.

بوم محنت: تشبیه فشرده اضافی (اضافه تشبیهی<sup>۱</sup>)، محنت: مشبه، بوم: مشبه‌به.

بوم بر چیزی گذشتن: کنایه از ویران کردن.

دولت آشیان: واژه‌ای مرکب که بر بنیاد مشبه و مشبه‌به است، مانند سنگ‌دل.

بوم، خراب و آشیان: مراعات نظیر.

بوم نماد شومی

قلمرو ادبی

<sup>۱</sup> در اضافه تشبیهی اکثرأ، مشبه‌به بر مشبه مقدم می‌شود. این تشبیه را از آن نظر فشرده می‌گویند که ادات تشبیه و وجه شبه آن حذف شده است و گویی آن را فشرده‌اند و از آن جهت بلیغ خواند می‌شود که برای درک و دریافت آن به تفکر و تأمل بیشتری نیاز است و هر چه این تفکر و تأمل بیشتر باشد، بلاغت سخن نیز افزوده می‌شود.

# پیدا دظالمان: تحلیل دکتر محمد امین شمس‌نیا

## قلمرو فکری

رنج و سختی مانند جغدی شوم برای نابود کردن به سراغ بخت و اقبال شما نیز خواهد آمد.

۳. آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد

## قلمرو زبانی

دستور زبان: آب: نهاد (هسته).

اجل: مضاف‌الیه (وابسته).

آب اجل: نهاد (گروه اسمی).

که: پیوند وابسته‌ساز.

هست: فعل اسنادی.

گلوگیر: مسند (هسته).

خاص: مضاف‌الیه (وابسته).

و: حرف عطف.

عام: معطوف (وابسته)!

آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام: جمله وابسته.

بر: حرف اضافه.

حلق: متمم.

و: حرف عطف.

بر: حرف اضافه.

دهان: متمم.

شما: مضاف‌الیه.

نیز: قید.

بگذرد: فعل

مای دارس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

# بیداد ظالمان: تحلیل دکتر محمد امین شمس‌نیا

## قلمرو ادبی

آب اجل: تشبیه فشردهٔ اضافی (اضافهٔ تشبیهی) اجل: مشبه؛ آب مشبه‌به. گلوگیر بودن: کنایه از کشنده بودن. خاص و عام: تضاد و مجازاً همهٔ مردم. آب بر حلق و دهان گذاشتن: کنایه از خفه شدن و مردن. تلمیح به آیهٔ شریفه «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (آل عمران: ۱۸۵) هر جاننداری چشنده [طعم] مرگ است. آب، گلو و حلق: مراعات نظیر

## قلمرو فکری

مرگ که چون آب همه را می‌کشد، شما را نیز از بین خواهد برد. یادآور این بیت فردوسی است: «شکاریم یکسر همه پیش مرگ سری زیر تاج و سری زیر ترگ»

۴. چون داد عادلان به جهان در، بقا نکرد بیداد ظالمان شما نیز بگذرد

## قلمرو زبانی

دستور زبان:  
چون: پیوند وابسته‌ساز  
داد: نهاد (هسته)  
عادلان: مضاف‌الیه (وابستهٔ پسین)؛ «ان» نشانهٔ جمع  
داد عادلان: نهاد (گروه اسمی)  
به ... در: دو حرف اضافه برای یک متمم<sup>۱</sup>.  
بقا نکرد: فعل  
چون داد عادلان به جهان بر، بقا نکرد: جملهٔ وابسته  
بیداد: نهاد (هسته)  
ظالمان: مضاف‌الیه (وابسته)  
شما: مضاف‌الیه مضاف‌الیه (وابستهٔ وابسته)  
بیداد ظالمان شما: نهاد (گروه اسمی)

<sup>۱</sup> از ویژگی‌های متون قدیم این است که گاهی برای یک متمم دو حرف اضافه به کار می‌برند، یکی قبل از متمم و یکی بعد از متمم. مطابق دستور زبان معیار امروز، یکی از این حروف اضافه زائد است که از معنای بیت به زائد بودن آن پی می‌بریم.

# بیداد ظالمان: تحلیل دکتر محمد امین شمس‌نیا

نیز: قید

بگذرد: فعل

بیداد ظالمان شما نیز بگذرد: جمله هسته

قلمرو ادبی

داد و بیداد: تضاد

عادلان و ظالمان: تضاد

واج آرایی در صامت «د» و مصوّت «ا»

قلمرو فکری

وقتی دادگران با وجود عدالت در جهان نمانده‌اند، پس روشن است که ستمگران وابسته به شما نیز نخواهند ماند. یادآور این بیت از خاقانی شروانی است:

ما بارگه دادیم، این رفت ستم بر ما بر قصر ستمکاران. گویی چه رسد خذلان

۵. در مملکت چو غرش شیران گذشت و رفت این عوعو سگان شما نیز بگذرد

دستور زبان:

در: حرف اضافه

مملکت: متمم

چو: پیوند وابسته‌ساز

غرش: نهاد (هسته)

شیران: مضاف‌الیه (وابسته)

گذشت: فعل

و: پیوند هم‌پایه‌ساز (حرف ربط)

رفت: فعل (در این جمله بقیه اجزای جمله به قرینه لفظی جمله قبل حذف شده است: چو غرش شیران رفت)

در مملکت چو غرش شیران گذشت و رفت: دو جمله وابسته

این: صفت اشاره

قلمرو زبانی

مای دارس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

# سیداد ظالمان: تحلیل دکتر محمد امین شمس‌نیا

عوعو<sup>۱</sup>: نهاد (هسته)

سگان: مضاف‌الیه (وابسته وابسته)

شما: مضاف‌الیه مضاف‌الیه (وابسته وابسته)

این عوعو سگان شما: گروه اسمی در نقش نهاد

نیز: قید

بگذرد: فعل

این عوعو سگان شما نیز بگذرد: جمله هسته

## قلمرو ادبی

شیران: استعاره از انسان‌های شجاع و ارزشمند

سگان: استعاره از انسان‌های ترسو و بی‌ارزش

شیران و سگان: با توجه به معنی مجازی آن با هم تضاد دارند.

## قلمرو فکری

در این کشور، وقتی که فریاد شیرمردان خاموش شد، هیاهوی سگ‌صفتان نیز به پایان می‌رسد.

## قلمرو زبانی

معنی واژه:

بکشت: خاموش کرد

دستور زبان:

بادی: نهاد

که: پیوند وابسته‌ساز

در: حرف اضافه

زمانه: متمم

۶. بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت هم بر چراغدان شما نیز بگذرد

www.my-dars.ir

۱. این واژه و واژه‌هایی از این قبیل را نام‌آوا می‌گویند. نام‌آوا صداهای بی‌معنی موجودات زنده و غیرزنده را می‌گویند؛ مانند شرشر آبشار، قارقار کلاغ و ... نام‌آواها از مقوله اسم هستند و نقش‌های اسم را می‌پذیرند.

# سیداد ظالمان: تحلیل دکتر محمد امین شمس‌نیا

بسی: صفت مبهم

شمع‌ها: مفعول

بسی شمع‌ها: گروه اسمی در نقش مفعول

بکشت: فعل

بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت: جمله وابسته

هم: همچنین، قید. این واژه در این بیت مترادف «نیز» و در جهت تأکید آن است و در واقع زائد است.

بر: حرف اضافه

چراغدان: متمم (هسته)

شما: مضاف‌الیه (وابسته)

چراغدان شما: گروه اسمی در نقش متمم.

نیز: قید

بگذرد: فعل

هم بر چراغدان شما نیز بگذرد: جمله هسته

شبکه‌های معنایی

باد و شمع: تضاد

شمع و چراغدان: تناسب

باد و کشتن (خاموش کردن): تناسب

باد: استعاره از مرگ (نوع اول یا مصرّحه با حذف مشبّه)

شمع: استعاره از هستی انسان‌های ارزشمند

چراغدان: هستی انسان‌های دون‌پایه

باد و شمع: تضاد

شمع و چراغدان: مراعات نظیر

باد و کشتن (خاموش کردن): مراعات نظیر

واج‌آرایی در صامت «ب»

تلمیح به آیه شریفه «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (آل عمران: ۱۸۵) هر جاننداری چشنده [طعم] مرگ است.



# میداد ظالمان: تحلیل دکتر محمد امین شمس‌نیا

## قلمرو فکری

مرگ که وجودهای ارزشمند بسیاری را نابود کرده‌است، وجود بی‌ارزش شما را نیز نیست می‌کند.

۷. زین کاروان‌سرای بسی کاروان گذشت ناچار کاروان شما نیز بگذرد

## قلمرو زبانی

دستور زبان:

زین: مخفف «از این»، «از» حرف اضافه و «این» صفت اشاره (وابسته)

کاروان‌سرای: متمم (هسته)

این کاروان‌سرای: گروه اسمی در نقش متمم

بسی: صفت مبهم (وابسته پیشین)

کاروان: نهاد (هسته)

گذشت: فعل

زین کاروان‌سرای بسی کاروان گذشت: جمله مستقل

ناچار: قید

کاروان: نهاد (هسته)

شما: مضاف‌الیه (وابسته)

کاروان شما: گروه اسمی در نقش نهاد

نیز: قید

بگذرد: فعل

شبکه‌های معنایی:

کاروان‌سرا و کاروان: تناسب

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

## قلمرو ادبی

کاروان‌سرا: استعاره از دنیا (استعاره نوع اول یا مصرحه با حذف مشبه)

کاروان: استعاره از انسان‌ها

کاروان: تکرار

# میداد ظالمان: تحلیل دکتر محمد امین شمس‌نیا

واج آرایبی در صامت «ر»

کاروان‌سرا و کاروان: مراعات نظیر

کاروان شما نیز بگذرد: جمله مستقل

قلمرو فکری

در این جهان انسان‌های زیادی زیسته و رفته‌اند، به ناچار شما نیز از این جهان خواهید رفت.

۸. ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن      تأثیر اختران شما نیز بگذرد

معنی واژه:

مفتخر: سربلند، صاحب افتخار

طالع: سرنوشت، بخت

مسعود: خجسته، مبارک

تأثیر اختران: به باور گذشتگان آسمان‌ها و اختران در سرنوشت انسان و سعد و نحس حال و آینده ایشان مؤثر بوده‌اند.

بر این اساس اختران (سیارات) را به دسته‌های سعادت‌بخش و شقاوت‌آور تقسیم کرده‌بودند.

دستور زبان:

ای: حرف ندا

مفتخر: منادا (صفت جانشین اسم)

به: حرف اضافه

طالع: متمم (هسته)

مسعود: صفت بیانی (وابسته پسین ۱)

خویشتن: مضاف‌الیه (وابسته پسین ۲)

طالع مسعود خویشتن: گروه اسمی در نقش متمم

طالع مسعود خویشتن



ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن: حرف ندا + منادا = یک جمله

قلمرو زبانی

مای درسی  
گروه آموزشی عصر

www.my-dar.ir

# میداد ظالمان: تحلیل دکتر محمد امین شمس‌نیا

تأثیر: نهاد (هسته)

اختران: مضاف‌الیه (وابسته)

شما: مضاف‌الیه مضاف‌الیه (وابسته وابسته)

تأثیر اختران شما: گروه اسمی در نقش نهاد

## تأثیر اختران شما



نیز: قید

بگذرد: فعل

تأثیر اختران شما نیز بگذرد: یک جمله مستقل

شبکه معنایی:

طالع، مسعود، اختر: تناسب

### قلمرو ادبی

اختر: مجازاً بخت و اقبال

طالع، مسعود، اختر: مراعات نظیر

واج‌آرایی در صامت «ت»

تلمیح به سخنی از حضرت علی (ع):

الدَّهْرُ يَوْمَانِ: فَيَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ: روزگار دو روز است؛ روزی به کام تو و روزی به زیان تو.

### قلمرو فکری

ای کسی که به خوش‌بختی خود می‌نازی، این بخت و اقبال نیک شما نیز پایان می‌پذیرد.

www.my-dars.ir

۹. بر تیر جورستان ز تحمل سپر کنیم تا سختی کمان شما نیز بگذرد

### قلمرو زبانی

معنی واژه:

جور: ستم

دستور زبان:

# میراد ظالمان: تحلیل دکتر محمد امین شمس‌نیا

بر: حرف اضافه

تیر: متمم (هسته)

جور: مضاف‌الیه (وابسته)

تان: مضاف‌الیه مضاف‌الیه (وابسته وابسته)، ضمیر متصل شخصی

ز: مخفف «از»، حرف اضافه

تحمل: متمم

سپر: مفعول

کنیم: فعل به معنای «سازیم»

بر تیر جور تان ز تحمل سپر کنیم: جمله هسته

تا: پیوند وابسته‌ساز

سختی: نهاد (هسته)

کمان: مضاف‌الیه (وابسته)

شما: مضاف‌الیه مضاف‌الیه (وابسته وابسته)

سختی کمان شما: گروه اسمی در نقش نهاد

نیز: قید

بگذرد: فعل

تا سختی کمان شما نیز بگذرد: جمله وابسته

شبکه معنایی:

تیر، سپر و کمان: تناسب

تیر جور: تشبیه فشرده اضافی (اضافه تشبیهی)؛ جور: مشبه؛ تیر: مشبه‌به

ز تحمل سپر کنیم: تشبیه فشرده. تحمل: مشبه؛ سپر: مشبه‌به

سپر کردن: کنایه از دفاع کردن

سخت کمان بودن: کنایه از قدرتمند بودن

کمان: مجازاً قدرت

تیر، سپر و کمان: مراعات نظیر

# میداد ظالمان: تحلیل دکتر محمد امین شمس‌نیا

## قلمرو فکری

ما در برابر ستم شما که چون تیری است، از تحمل سپری می‌سازیم تا قدرت شما به پایان برسد.

۱۰. ای تو رمه سپرده به چوپان گرگ‌طبع این گرگی شبان شما نیز بگذرد

معنی واژه:

رمه: گله گوسفند

دستور زبان:

ای: حرف ندا. منادا محذوف است. (کسی که)

تو: نهاد

رمه: مفعول

سپرده [ای]: فعل

به: حرف اضافه

چوپان: متمم (هسته)

گرگ‌طبع: صفت (وابسته پسین)

چوپان گرگ‌طبع: گروه اسمی در نقش متمم

مصراع اول دو جمله است: ۱. ای [کسی که] ۲. تو رمه سپرده [ای] به چوپان گرگ‌طبع

این: صفت اشاره

گرگی: نهاد (هسته)، گرگ بودن نوع «ی» مصدری است.

شبان: مضاف‌الیه (وابسته)

شما: مضاف‌الیه (وابسته وابسته)

این گرگی شبان شما: گروه اسمی در نقش نهاد

نیز: قید

بگذرد: فعل

این گرگی شبان شما نیز بگذرد: یک جمله مستقل

شبهه معنایی:

## قلمرو زبانی

مادری درسی

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

# ی‌داد ظالمان: تحلیل دکتر محمد امین شمس‌نیا

رمه، گرگ، چوپان، شبان: تناسب

چوپان و شبان: مترادف

رمه و گرگ: تضاد

\* تفاوت معنایی در فعل: فعل‌ها با توجه به کاربرد و معنایی که در جمله دارند، از نظر نوع و گذر متفاوت‌اند. در این شعر «بگذرد» معانی متفاوتی دارد و بر این اساس، گاهی ناگذر (مصراع دوم بیت اول؛ بیت چهار، پنج، هفت، هشت، نه و ده)، در معنای سپری شدن و عبور کردن است. گاهی گذرا به متمم (در مصراع اول بیت اول، بیت دوم، سوم و ششم) به کار رفته است. این تفاوت معنایی در ردیف معمولاً نادیده انگاشته می‌شود.

رمه، گرگ، چوپان، شبان: مراعات نظیر

رمه: استعاره از مردم

چوپان گرگ طبع: استعاره از حاکمان گرگ صفت. در ترکیب نوعی از تشبیه وجود دارد. (چوپانی که طبعی چون گرگ دارد)

شبان: استعاره از حاکمان گرگ صفت

گرگی: مجازاً درنده‌خویی

رمه و گرگ: تضاد

قلمرو ادبی

ای کسی که مردم را به دست حاکمان گرگ صفت داده‌ای، این درنده‌خویی حاکمان ستمگر شما نیز به پایان می‌رسد.

قلمرو فکری

کارگاه متن پژوهی

www.7-dars.ir

# میداد ظالمان: تحلیل دکتر محمد امین شمس‌نیا

۱- در شعری خواندید، پنج واژه مهم املائی را بیابید و بنویسید.

محنت، اجل، عوعو، طالع، طبع

۲- تفاوت معنایی فعل «گشت» را در ابیات زیر توضیح دهید.

■ گفتم که نوش لعلت ما را به آرزو کشت

■ بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت

در بیت اول، به معنای «نابود کردن»، هلاک کردن است. در بیت دوم به معنای «خاموش کردن» است.

۳- برای هر واژه مشخص شده، یک مترادف از متن درس بیابید.

■ بر در بخت بد فرود آید

■ همّت بلند دار که نزد خدا و خلق

بخت = طالع؛ اعتبار = رونق

## قلمرو ادبی

۱- قافیه و ردیف را در بیت نخست این سروده مشخص کنید.

جهان و زمان: واژه‌های قافیه

شما نیز بگذرد: ردیف. با وجود تفاوت در ساختار و معنای فعل گذشتن، آن را ردیف محسوب می‌کنیم، زیرا این تفاوت جنبه

مجازی دارد و اغلب شاعران بدان تن در داده‌اند.

۲- در بیت زیر، کنایه‌ها را بیابید و مفهوم آنها را بنویسید.

بر تیر جورتان ز تحمل سپر کنیم      تا سختی کمان شما نیز بگذرد

سپر کردن: کنایه از دفاع کردن

سختی کمان گذشتن: کنایه از به پایان رسیدن قدرت

۳- استعاره افشروی تشبیه است. هر گاه تشبیه در مسیر خود ببالد و پرورده شود. حاصل آن استعاره خواهد بود. خیال‌انگیزی و

پروردگی در استعاره فراتر از تشبیه است، زیرا در بازنمود اندیشه تأثیر بیشتری بر مخاطب دارد و بیشتر او را به شگفتی و درنگ

وامی دارد.

با ذکر مثال‌هایی این روند بازنموده می‌شود.

حکیم ابوالقاسم فردوسی در بیت زیر در توصیف زال می‌گوید:

www.my-dars.ir

## سید اذظالمان: تحلیل دکتر محمد امین شمس‌نیا

به چهره چنان بود تابنده سفید      ولیکن همه موی بودش سپید  
(۱-۱۳۸-۵۰)

در این بیت از سفیدی موی سخن رفته است، در مصرع دوم این بیت که در محدوده‌ی سخن منظوم است، بر ساخت‌های آوایی زبان، ساخت‌های وزن و قافیه افزوده شده‌است، اما سخنور همواره بدین پایه راضی نیست و در راستای تعالی سخن خویش در قلمرو خیال پا فراتر می‌نهد و چنین می‌سراید:

جهان دار گشت از جهان نا امید      بکند آن چو کافور موی سپید  
(۵-۲۷۷-۶۹۱)

روشن است که تأثیر و خیال‌انگیزی «سفیدی موی» در این بیت از بیت بالا بیشتر است و سخن را از چهارچوب عادی آن فراتر برده است؛ حال اگر بخواهیم سخن را از این سطح نیز فراتر ببریم و پرورده‌تر سازیم آن را به قلمرو استعاره می‌بریم. چنان‌که فردوسی در بیت زیر «کافور» را به کار برده است و کافور چنان که در بیت بالا بررسی شد، مشبّه‌به تشبیهی است که مشبّه آن «موی سفید» است، پس سخن فردوسی در بیت زیر خیالی‌تر و پرورده‌تر و تأثیر آن نیز بر مخاطب بیشتر، برای فهم آن، به درنگ و تأمل بیشتری نیاز است:

مرا سال بر پنجه و یک رسید      ز کافور شد مشک و گل ناپدید  
(۷-۱۶۰-۷۶)

با تأمل در بیت بالا ملاحظه می‌شود که کافور در معنای موی سفید به کار رفته است، پس در استعاره واژه‌ای به علاقه‌ی مشابهت و با وجود قرینه به جای واژه‌ی دیگر به کار برده می‌شود، به عبارت دیگر در استعاره به نوعی ادّعای یکسانی می‌شود، فراتر از تشبیه که در آن ادّعای همانندی می‌شود.

مثال دیگر:

چو هنگامه‌ی زادن آمد پدید      یکی دختر آمد ز ماه آفرید  
(۱-۱۰۸-۴۷۸)

در بیت بالا، فردوسی واژه‌ی «دختر» را در سخن منظوم خویش به کار برده‌است. سپس، در بیت زیر دختر را به نگار تشبیه کرده است، این تشبیه مایه‌ی خیال‌انگیزی سخن اوست و سخن او را از محدوده‌ی عادی آن، فراتر برده است و به پایه‌ای عالی‌تر ارتقا داده‌است:



# میداد ظالمان: تحلیل دکتر محمد امین شمس‌نیا

به گسسته‌م گفت ای گو نام دار یکی دختری داشتم چون نگار  
(۱۳۸۸-۹۱-۹)

و در بیت زیر مشبه (دختر) حذف شده است و مشبه به (نگار) با ادعای یکسانی به جای آن به کار رفته است، گویی واژه‌ای دیگر است برای دختر:

نگاری که ناهید خوانی ورا بر اورنگ زریں نشانی ورا  
(۷۳-۳۷۷-۶)

در استعاره‌ی مکنیه نیز می‌توان چنین روندی را دنبال کرد. در بیت زیر خواجه حافظ شیرازی از «قضا» سخن گفته‌است:

در کوی نیک‌نامی ما را گذر ندادند گر تو نمی‌پسندی تغییر کن قضا را  
(حافظ)

مسعود سعد سلمان برای بالا بردن تأثیر کلام و خیال‌انگیزی آن، قضا را «عقاب‌وار» دانسته است:

عقاب‌وار قضا برگشاده تیز دو چنگ نهنگ‌وار اجل باز کرده پهن دهان  
(مسعود سعد)

با مقایسه‌ی دو بیت، درمی‌یابیم که قضا در بیت دوم عینی‌تر، خیال‌انگیزتر و مؤثرتر نموده شده‌است و این به کمک آرایه تشبیهی است که در شعر به کار رفته‌است. اما همیشه سخنوران بدین پایه راضی نیستند؛ بلاغت کلام را از این مرتبه نیز فراتر می‌برند و طبعاً تأثیر و خیال‌انگیزی آن را نیز دوچندان می‌سازند. چنان‌که حکیم ابوالقاسم فردوسی در این بیت سروده‌است:

قضا چون ز گردون فروهشت پر همه زیرکان کور گردند و کر  
(فردوسی)

دیگر شاعر، قضا را مفهومی ذهنی نمی‌داند بلکه او را موجودی عینی و مجسم می‌یابد که با چنگال‌های گشاده در کرانه‌های آسمان، با بال‌های گشاده، مترصد حمله‌های ناگهانی است و اگر بر کسی تاخت آورد هیچ گریزگاهی برای او نیست. این نگاره خیال‌انگیز را شاعر با بهره‌گیری از «استعاره‌ی مکنیه» آفریده است. دیگر سخن شاعر، فقط سخن منظوم حاصل از وزن و قافیه و پس‌وپیش کردن واژگان نیست. سخن او اکنون به قلمرو «شعر منظوم» پای نهاده و بر دل‌وجان مخاطب مؤثر گردیده‌است. این است بدیع‌ترین و بلیغ‌ترین نگاره‌ای که از ذهن شاعر تراوش می‌کند و این است مؤثرترین و پذیرفتنی‌ترین شیوه‌ی بیانی.

■ در بیت پنجم، استعاره‌ها را مشخص کنید و مفهوم هر یک را بنویسید.

در مملکت چو غرش شیران گذشت و رفت این عوعو سگان شما نیز بگذرد

شیران: استعاره از انسان‌های شجاع و ارزشمند

سگان: استعاره از انسان‌های ترسو و بی‌ارزش

## قلمرو فکری

۱- با توجه به توضیح زیر، معنی و مفهوم بیت اول درس را به نثر روان بنویسید.  
سیف‌الدین محمد فرغانی، در سده هفتم هجری، هنگامی که شهرهای بزرگ و آباد ایران، در آتش بیداد مغولان می‌سوخت، این شعر را سرود. سیف در این سروده، از رفتار ظالمانه فرمانروایان و تاخت‌وتاز سپاه مغول، با بیان کوبنده‌ای انتقاد می‌کند.  
ای مغولان ستمکار، بالاخره مرگ به سراغ شما هم خواهد آمد و ارزش و اعتبار شما هم پایان می‌پذیرد.

۲- در بیت زیر، مقصود شاعر از «رمه»، «چوپان گرگ طبع» و «گرگی شبان» چیست؟  
ای تو رمه سپرده به چوپان گرگ طبع این گرگی شبان شما نیز بگذرد

رمه: استعاره از مردم

چوپان گرگ طبع: استعاره از حاکمان گرگ‌صفت.

گرگی شبان: استعاره از درنده‌خویی حاکمان گرگ‌صفت.

۳- از متن درس برای حدیث و آیه زیر، نمونه‌بیتی مرتبط بیابید و بنویسید

سخنی از حضرت علی (ع) است: الدهرُ یومان؛ فیومٌ لکَ و یومٌ علیک؛ روزگار دو روز است؛ روزی به کام تو و روزی به زیان تو.

ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن تأثیر اختران شما نیز بگذرد

آیه شریفه «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (آل عمران: ۱۸۵) هر جانداري چشنده [طعم] مرگ است.

آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد

البته اغلب ابیات را می‌توان از نظر معنایی با این آیه، مرتبط دانست.

۴- سروده زیر یادآور کدام بیت درس است؟

ما بارگه دادیم، این رفت ستم بر ما بر قصر ستمکاران. گویی چه رسد خذلان

چون داد عادلان به جهان در، بقا نکرد بیداد ظالمان شما نیز بگذرد